

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۹۶

موضوع جزئی: آیه نهم - نفاق ریشه ریا و شرک

مصادف با: ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۲۲

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

**خلاصه جلسه گذشته**

در آیه نهم اجمالاً عرض کردیم که این آیه یکی از مهم ترین ویژگی ها و خصلت های منافقین را بیان می کند و آن هم خدعه و مکر و نیرنگ است، اما با اینکه این ها خدعه می کنند با خدا و مؤمنین، فی الواقع این خدعه با خود آنهاست، یعنی خود فریبی است، نه دیگر فریبی، منتهی آنها دقت ندارند و به رمز و راز این مطلب پی نمی برند که خدعه با خدا و مؤمنین در واقع خدعه با خودشان است.

**خدعه منافقین با کفار**

نکته ای که باقی مانده، این است که درست است که در آیه بحث از خدعه منافقین با خدا و مؤمنین مطرح شده است، اما منافقین چه بسا با کفار هم خدعه می کنند، یعنی مکر و خدعه آنها علاوه بر مؤمنین شامل کفار هم می شود، این بخشی است که در آیه متعرض آن نشده است و چه بسا وجه عدم تعرض هم این باشد که آنچه که مهم است و به عنوان خود فریبی مطرح می شود خدعه ای است که نسبت به خدا و مؤمنین دارند، اما خدعه نسبت به کفار دیگر، نه در اینجا موضوعیت دارد و نه اهمیت و چه بسا آن حکم «و ما یخدعون إلا انفسهم و لا یشعرون» دیگر شامل آن نمی شود، این هم به خاطر ویژگی نفاق است، یعنی منافق به جهت اینکه در باطن کافر است، اما وقتی این به عنوان یک ملکه و یک ویژگی و یک خصلت اخلاقی در او پدید بیاید، دیگر این چندگانگی در شخصیت و رفتار تمییز نمی دهد بین کسانی که این شخص با آنها برخورد می کند، یعنی اگر نیاز باشد حتی کافران را که هم کیش او هستند مشمول خدعه و نیرنگ خودش قرار می دهد، هر چند به ظاهر آنها را همراهی می کند، لذا این حالت، حالت چند شخصیتی و حالت چندگانگی، اگر تبدیل شود به طبع ثانوی در انسان دیگر فرقی برای او نمی کند، اصطلاح منافق هر چند در قرآن برای کسی که باطناً کافر است و ظاهراً، مؤمن بکار رفته است، اما خواهیم گفت که ریا هم یک نوع نفاق است، ممکن است کسی در باطن کافر نباشد، اما خود ریا هم یک نوع نفاق است که اشاره خواهیم کرد. به هر حال کسی که طبع ثانوی او دورویی شده باشد، این شخص دیگر با همه کس و همه چیز اینگونه برخورد می کند و حتی ممکن است با خودش هم این رفتار را داشته باشد.

آیاتی از قرآن بر این امر دلالت می کند از جمله این آیه «الْم تَر إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ\* لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُؤْتِنَنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ»، آیا نمی بینی که منافقین به هم

۱. سوره حشر، آیات ۱۱ و ۱۲.

کیشان و برادران خود که کافر شده اند، می‌گویند اگر شما اخراج شوید از این دیار ما هم همراه شما خارج می‌شویم و هیچکس را اطاعت نخواهیم کرد و اگر بخواهید قتال کنید شما را یاری می‌کنیم، اما خدا شهادت می‌دهد بر این که اینها دروغ می‌گویند، یعنی حتی به برادران خودشان که وعده کمک می‌دهند این هم دروغ است. آنوقت در ادامه می‌فرماید «لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ» اگر آنها خارج شوند، اینها خارج نمی‌شوند، و اگر گرفتار قتال شوند آنها را یاری نمی‌کنند و اگر هم یاری کنند، به آنها پشت می‌کنند.

پس خدعه و نیرنگ منافقین وقتی تبدیل می‌شود به یک خصلت و ملکه و صفت درونی، حتی با برادران ایمانی خودشان یعنی کفار هم این رفتار را از خودشان بروز می‌دهند، به هر حال این مسئله در نفاق خیلی مهم است، که خدعه و نیرنگ و مکر و فریب به عنوان برجسته‌ترین صفت اخلاقی و ویژگی رفتاری منافقین باید مورد توجه قرار بگیرد

### نفاق ریشه ریا و شرک

از همین جا به آن نکته‌ای که گفتم اشاره‌ای می‌کنم و آن اینکه مسئله دامن نفاق فقط محدود به کفر و ایمان نیست، یعنی در آیات قرآنی و اصطلاح منافق به کسی می‌گویند که در باطن کافر اما در ظاهر مؤمن است، ولی بر اساس روایاتی که از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد شده است نفاق ریشه ریا و شرک است، یعنی آنچه باعث می‌شود انسان به ریا پناه ببرد نفاق است، چیزی که ممکن است از آن غفلت کنیم، عاملی که سبب می‌شود که انسان گرفتار شرک خفی شود نفاق است، ممکن است شخصی که ریاکار است اصلاً به این جهت توجه ندارد که اساساً به خاطر نفاق او به ریا یا شرک خفی پناه آورده است.

روایت اول: امام صادق (ع) می‌فرماید: «لا ترا بعملک، من لا یحیی و لا یمیت و لا یغنی عنک شیئا و الریاء شجرة لا تثمر إلا الشرک الخفی، و اصلها النفاق<sup>۱</sup>، امام می‌فرماید: با عمل خود ریا نکن ریا یعنی اینکه برای کسی که نه زنده می‌کند و نه می‌میراند و نه تو را از چیزی بی‌نیاز می‌کند، این سودی ندارد، به چه دلیل انسان برای کسی که نه قدرت احیا دارد، و نه قدرت اماته دارد و نه موجب بی‌نیازی انسان می‌شود عملش را برای او انجام دهد ریا درختی است که ثمر و میوه آن شرک خفی است و ریشه آن نفاق است، یعنی درختی را در نظر بگیرید که یک ریشه دارد و یک میوه دارد، ریشه این درخت نفاق است، خود درخت، ریا است، میوه آن شرک خفی است، در نسبتها دقت کنید، نفاق موجب ریا می‌شود و ثمره ریا شرک خفی است، آنوقت همین انسان روز قیامت مورد خطاب واقع می‌شود، «یقال للمرائی عند المیزان: خذ ثوابک و ثواب عملک ممن اشکرته معی. فانظر، ومن تدعو، ومن ترجو، ومن تخاف؟» روز قیامت به ریاکار گفته می‌شود برو ثواب خود را از کسی بگیر که برای او این کار را انجام دادی، آن کسی که با من او را شریک گرفتی در کار، نماز را به خاطر او و من خواندی، روزه را به خاطر او و من گرفتی و ... در ادامه امام (ع) می‌فرماید: پس ببین

۱. بحار، ج ۶۹، ص ۳۰۰.

چه کسی را می‌خوانی و به چه کسی امید داری و از چه کسی خوف داری؟ اینها از لسان صادق‌ترین انسان‌ها یعنی ائمه معصومین (ع) صادر شده و ذره‌ای در صدق آنها تردیدی نیست، «واعلم أنّک لا تقدر علی اخفاء شیء من باطنک علیک وتصیر مخدوعاً بنفسک»، می‌فرماید: تو قدرت بر پنهان کردن هیچ چیز از باطن خود را بر خدا نداری، یعنی ذره‌ای و لحظه‌ای که بر فکر و خیال انسان بگذرد خدا بر آن آگاه است و به همین دلیل است که در واقع خودت مخدوع واقع می‌شوی، چه آن منافقی که در باطن کافر است و به ظاهر مؤمن، و چه شخص ریاکار، که ریشه ریاکاری او نفاق او می‌باشد، همانطوری که منافق به خدا خدعه و مکر و فریب می‌کند، ریاکار هم اینکار را می‌کند، ریاکار وقتی در مقابل خدا می‌ایستد که نماز بخواند، اما ملاحظه دیگران را می‌کند، به امید اینکه از دیگران حسن نظر و جلب توجه کند، به امید اینکه به ظاهر خطری را از خود دور کند، نه در مقام تقیه، این شخص نعوذ بالله خدا را موجودی فرض کرده، که او مثل بقیه مردم ظاهر او را می‌بیند، به نماز می‌ایستد و با ادا و اطوار، اذکار و اعمال را انجام می‌دهد، و به گمان خود نماز یا عمل خیر انجام می‌دهد، به گمان خود تکلیفش را عمل می‌کند، به زعم و گمان خودش دارد به امر خدا ایتیان می‌کند اما آیا قدرت بر این دارد که این جهت را از خدا مخفی کند؟ آیا انسانی که ریاکار است و برای دیگران این کار را انجام می‌دهد قدرت مخفی کردن این حالت را از خدا دارد؟ قطعاً این‌گونه نیست حتی کوچک‌ترین فکری، ولو در حد یک لحظه به ذهن انسان خطور کند، خدا بر آن آگاه است، آنوقت کسی که این چنین می‌کند، آیا او فریبکار است یا خود فریب، معلوم است، این شخص در واقع خودش را فریب می‌دهد، و اینجا امام صادق (ع) اشاره به همین آیه می‌کند که چرا تصیر مخدوعاً؟ شخص ریاکار تبدیل به مخدوع می‌شود به جای اینکه خادع باشد مخدوع است، به جای اینکه فریب بدهد فریب خورده است، چون خود خداوند فرموده «و ما یخدعون إلا انفسهم»، این حکم شامل هر منافقی می‌شود، چه منافقی که در واقع می‌خواهد ریا کند و چه منافقی که در اصل و باطن کافر است اما به ظاهر مؤمن است.

روایت دوم: در روایت دیگری از رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «عن رسول الله (ص) أنه سئل فیما النّجاة غدا» رسول خدا مورد سوال و پرسش قرار گرفت در مورد چیزی که فردا و روز قیامت سبب نجات است، این بسیار مهم است، اینکه اساساً انسان چگونه از گرفتاری و آنچه که در پیش دارد در عالم برزخ و قیامت نجات پیدا کند و اینکه چگونه به سر منزل سعادت می‌رسد، می‌فرماید: «إنّما النّجاة فی أن لا تخادعوا الله فیخدعکم فأنه من یخادع الله یخدعه و یخلع منه الایمان و نفسه یخدع لو یشعر»، در اینجا رسول خدا فرمود، «إنّما النّجاة» یعنی ادات حصر بکار برده است، نجات فقط و فقط در این است که با خدا خدعه نکنند، چون اگر با خدا خدعه کند خدا هم با انسان خدعه می‌کند، این خیلی مهم است که با خدا باید روراست بود، بازی کردن با هر کسی ممکن است، بازی دادن دیگران سهل است، اما خدایی نکرده کسی بخواهد در مقابل خدا نقش بازی کند، یعنی در باورش این باشد که می‌شود در مقابل خدا نقش بازی کرد، خدا هم آنوقت در مقامی قرار می‌گیرد که با او نقش بازی کند، و امان از آن روزی که خداوند تبارک و تعالی

بخواهد با خدعه و مکر در برابر انسان قرار بگیرد، آنوقت است که ایمان را از او خلع می‌کند، خداوند لباس ایمان را از تن او در می‌آورد، و این دیگر نهایت بدبختی است که لباس ایمان از تن انسان خارج شود، منتهی اگر بفهمد این را، ما این دقت‌ها و این باریک بینی را نداریم که اگر بخواهیم به خدا مکر بورزیم، خدا با ما این چنین می‌کند و خلعت ایمان و لباس ایمان را از تن ما بیرون می‌آورد، «فقیل له»، به رسول خدا عرض شد، «و کیف یخادع الله» چگونه ممکن است کسی با خدا خدعه کند، «قال یعمل بما امر الله به ثم یرید به غیره»، عمل می‌کند به آنچه که خدا به آن امر کرده است، یعنی اگر از او سوال کنند که چرا می‌خواهی این کار را بکنی، آن عامل و محرک او امر خدا می‌باشد، چرا نماز می‌خوانی، چرا روزه می‌گیری، چرا از محرومان دستگیری می‌کنی؟ چون خدا گفته است، اما آنچه که باعث می‌شود این عملش قلب ماهیت پیدا کند، این است که با این عمل غیر خدا را اراده می‌کند، «اتقوا الله و اجتنبوا الرثاء فانه شرک بالله»، پرهیزکاری و تقوای الهی پیشه کنید و از ریا اجتناب کنید چون شرک به خدا است، معلوم است انسانی که شرک بورزد در واقع میوه نفاقش را دارد می‌خورد، که ریا واسطه این ثمردهی است، منافق با واسطه ریا شرک خفی می‌ورزد، نسبت نفاق با ریا و شرک اینگونه می‌شود همان تعبیری که در روایت اول امام صادق (ع) فرمودند، نفاق با ابزار و واسطه‌گری ریا انسان را مشرک می‌کند، و ریشه همه اینها این است که باید برای ما این مسئله باور قلبی شود و ما از این جهت‌ها مشکل داریم، ممکن است خیلی مراعات کنیم اما مهم این است که برای چه چیزی به آداب شرعی و دینی پایبند هستیم، آیا برای جلب رضایت دیگران، این نشان می‌دهد که ما یا نمی‌دانیم یا غافلیم از اینکه خداوند متعال به همه امور آگاه است، «و لکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیراً مما تعملون»، خداوند می‌فرماید: شما گمان دارید که خداوند بسیاری از کارهای شما را نمی‌داند، این «ظننتم ان الله لا یعلم کثیراً مما تعملون»، یک نکته‌ای دارد، چرا می‌گویید شما گمان می‌کنید که خداوند بسیاری از کارهای شما را نمی‌بیند؟ چرا؟ برای اینکه کارهای انسان و اعمال انسان دو دسته هستند، گمان ما این است که ممکن است این در عمق وجود همه باشد، فعل جوارحی که از ما سر می‌زند یک مقدار مراقبت بیشتر داریم، مثلاً خدایی نکرده به نامحرم نگاه کنیم، مال کسی را برداریم، عمل جوارحی چون کاملاً مشهود است و محسوس و مشاهد است، برای ما پذیرفته شده است که اینها را خدا می‌بیند، اما بسیاری از کارها و اعمال ما جوانحی و قلبی است، یعنی بروز و ظهوری ندارد، نه دست ما حرکت می‌کند و نه پا حرکت می‌کند و نه چشم، ممکن است در یک عزلت و انزوا بنشینیم اما برای چه چیزی؟ در درون ما چه چیزی می‌گذرد، اعمال جوانجی ما چگونه است؟ قلب ما چگونه است؟

به هر حال باید عنایت کنیم که این آیه ضمن اینکه به ویژگی مهم منافقین اشاره کرده است، اگر منافق را یک معنای وسیع‌تری برای آن بگیریم غیر از اصطلاحی که وجود دارد، مخاطب این آیه می‌توانیم همه ما مؤمنین و مسلمین باشیم و توجه داشته باشیم که هیچ چیز از دید خداوند پنهان نمی‌ماند، لذا از ریا اجتناب کنیم که ریشه ریا نفاق است، و ثمره آن شرک خفی است.

«والحمد لله رب العالمین»